

درس نهم: کویر

"کویر" دکتر علی شریعتی، نوع ادبی: ادب سفر و زندگی.
روان خوانی: بوی جوی مولیان: از کتاب بخارای من ایل من: محمد بهمن بیگی.

قلمرو زبانی

معنی واژگان مشخص شده را بنویسید.

الف: آسمان، تفرجگاه مردم کویر است.

ب: چنان که می گویند، هم بر انگارهٔ عشق آبادش ساخته اند.

پ: خسته از آن «اسرا» در بستر خویش به خواب رفتم.

ت: گرم تماشای این دریای سبز معلقی بودم.

ث: از اینجا، درختان کهن، آب را تا باغستان و مزرعه مشایعت می کنند.

ج: صفای اهورایی آن همه زیبایی ها که درونم را پر از خدا می کرد.

املا

۲. واژه درست را از داخل کمانک انتخاب کنید.

الف: در چهار سالگی پشت (قاش / غاش) زین نشستم.

ب: در آن هنگام بهار (حیاط / حیات) علمی و اجتماعی اش فرا رسیده بود.

پ: همه چشم ها به او بود که (حوضه / حوزه) حکمت را او گرم و چراغ علم را او روشن نگاه دارد.

ت: تنفس در اتاقتکی (محصور / محصور)، دشوار و طاقت فرسا بود.

ث: روز و شب با فخر (مباحات / مباحات)، با شادی و غرور به تصدیقم می نگریست.

ج: بساط (تحویه/تهویه) به تهران نرسیده بود.

چ: ناله‌های گریه‌آلود آن امام راستین و بزرگم را که همچون این شیعه گمنام و (غریبش/قربیش) در کنار آن مدینه پلید و...

تکته: مترادف‌های مهمی که هم ارزش املائی دارند و هم معانی این واژگان مهم است.

انگاره و طرح ۳. تموز: ماه دهم از ماه‌های رومیان/ مطابق با تیرماه / قنديل و چراغ / ماوراء الطبیعه و آنچه فراتر از عالم طبیعت و ماده است؛ مانند خداوند، روح و مانند آنها / مشایعت و همراهی / نشئه و سرخوشی / نظاره و تماشا و نگاه / قاش و کوهه زین، قسمت برآمده جلوی زین / زخمه و ضربه / داعیه و ادعا/ سموم و باد بسیار گرم / . غرفه و بالاخانه / اسرا : در شب سیر کردن، هفدهمین سوره قرآن کریم نیز هست.

۳. کدام یک از گزینه‌های زیر براساس روابط معنایی غلط می‌باشد؟

الف: گلستان / گلشن: مترادف ب: مشایعت و همراهی: مترادف پ: نسیم و سموم: مترادف ت: کهر/ کزند: تناسب

۴. با توجه به موارد زیر، به سوال‌ها پاسخ دهید.

(۱) چشمه آبی سرد که در تموز و سوزان کویر، گویی از دل یخچال بزرگ بیرون می‌آید

(۲) آن شب نیز خود را بر روی بام خانه گذاشته بودم و به نظاره آسمان رفته بودم.

الف: هسته و وابسته گروه‌های اسمی موارد مشخص شده را بررسی کنید.

ب: نقش دستوری واژه‌های (دل - آن شب - نیز - نظاره - آسمان) را بنویسید.

۵. گروه‌های اسمی زیر را از نظر وابسته وابسته بررسی کنید.

(۱) کتاب بسیار ارزشمند

(۲) رنگ سبزی شمی

(۳) برجسته‌ترین شاعران زبان فارسی

(۴) ساختن آینده‌ای روشن

(۵) صحبت خیلی صمیمی

(۶) شیرینی بیان سعدی

(۷) آهنگ سخن قدما

(۸) قلب آن کویر

(۹) تموز سوزان کویر

(۱۰) شاگرد حوزه ادبی

(۱۱) هوای نسبتاً پاک

(۱۲) فرهنگ ایران باستان

۱۳) فریاد عاشقان دل سوخته

۱۴) سه دست لباس ایرانی

۱۵) قلب آن کویر

۱۶) تاب آفتاب آن جمال

۶. در ابیات زیر، نوع "وابسته وابسته" را مشخص کنید.

الف: سینه خواهم شرحه شرحه از فراق // تا بگویم شرح درد اشتیاق

ب: هر کسی کاو دور ماند از اصل خویش / باز جوید روزگار وصل خویش

۷. نکته: در درس ۹ درک و تفهیم معانی این واژه ها، ضرورت دارند و بهتر است آن ها را در جمله بیان کنیم.

باد گرم مهلک: سموم / معلق: آویزان / نظاره: تماشا / نگرش: تلقی / پرنیان: پارچه ابریشمی دارای نقش و

نگار، نوعی حریر / شبدرد دوچین: گیاه علفی شبدرد دو بار چیده شده / عدلیه: دادگستری / قاش: قسمت برآمده جلوی

زین، کوهه زین / کمانه: نام کوهی در منطقه ونک از توابع شهرستان سمیرم استان اصفهان. / ماورا: فراسو. آن سو. ماسوا.

برتر. مباحث: افتخار، سرفرازی / مدرس: موضع درس گفتن، محلی که در آن تدریس کنند.

۸. نقش دستوری کلمات مشخص شده را به ترتیب بنویسید.

الف: شگفتا که نگاه‌های لوکس مردم آسفالت نشین شهر، آن را کهکشان می‌بیند

ب: «برای شناختن محمد و دیدن صحرائی که آواز پر جبرئیل همواره در زیر غرفه بلند آسمانش به گوش می‌رسد و سنگریزه اش

آیات وحی را بر لب دارد و زبان گویای خدا می‌شود، به صحرای عربستان آمده است.»

۹. از میان «وابسته های وابسته» در متن زیر چند «مضاف الیه مضاف الیه» وجود دارد؟

«تأثیر ادبیات عرب در ادب فارسی و نفوذ فرهنگ یونان در روم، و یا تأثیر ادبیات هندی در ایران، حاصل روابط فرهنگی و یا نتیجه

تسلط نظامی است. به عبارت دیگر ادبیات ملل مختلف جهان در هم اثر می‌کنند و نوعی داد ستد ادبی به وجود می‌آید و این

دادوستد ها، یکی از عوامل شکفتگی ادبیات جهان است.»

۱۰. در عبارت زیر، وابسته وابسته را بیابید و نوع آن را بنویسید.

(چشمه آبی سرد که در تموز سوزان کویر، گویی از دل یخچالی بزرگ بیرون می‌آید.)

قلمرو ادبی

۱۱. با توجه به متن زیر را سوال‌ها پاسخ دهید.

در کویر، گویی به مرز عالم دیگر نزدیکیم و از آن است که ماوراء الطبیعه را - که همواره فلسفه از آن سخن می‌گوید و مذهب بدان می‌خواند - در کویر به چشم می‌توان دید، می‌توان احساس کرد و از آن است که پیامبران همه از اینجا برخاسته‌اند و به سوی شهرها و آبادی‌ها آمده‌اند. «در کویر خدا حضور دارد!».... در کویر، حتی درختش، سنگش و سنگریزه‌اش آیات وحی را بر لب دارد و زبان گویای خدا می‌شود، به صحرای عربستان آمده است و عطر الهام را در فضای اسرارآمیز آن استشمام کرده است.

الف: مجاز را در عبارت فوق بیابید.

ب: مفهوم عبارت بالا را بنویسید.

پ: معنی واژه مشخص شده را بنویسید.

ت: آرایه دو سطر پایانی را بنویسید.

۱۲. آرایه موارد زیر را مشخص کنید.

الف: چشمه آب سردی که در تموز سوزان کویر، گویی از دل یخچالی بزرگ بیرون می‌آید، از دامنه کوه‌های شمالی ایران به سینه کویر سرازیر می‌شود و از دل ارگ مزینان سر بر می‌دارد. از این جا درختان کهنی که سالیانی دراز سر بر شانه هم داده‌اند، آب را تا باغستان و مزرعه مشایعت می‌کنند.

ب: در این دریای سبز معلقی که بر آن مرغان الماس پر، از غیب سر می‌زنند.

پ: چراغ علم - تابستان وصال

ت: آسمان کویر، این نخلستان خاموش و پرمهتابی که هرگاه مشت خونین و بی‌تاب قلبم را در زیر باران‌های غیبی سکوتش می‌گیرم، ناله‌های گریه‌آلود آن روح دردمند و تنها را می‌شنوم.

ث: «مزینان از هزار و صد سال پیش هنوز بر همان مهر و نشان است که بود»

۱۳. آرایه‌های ادبی موارد زیر را بنویسید.

۱) گل‌های الماس شکفتند و قندیل پروین سر زد.

۲) در این دریای سبز معلقی که بر آن مرغان الماس پر، از غیب سر می‌زنند.

۳) آن باغ پر از گل‌های رنگین و معطر شعر و خیال و الهام و احساس در سَموم سرد این عقل بی‌درد پژمرد.

۱۴. در متن زیر «ایهام تناسب» را بیابید. «تابستان وصال، درست به هنگام ، همچون همه ساله، امیدبخش و گرم و مهربان و نوازشگر می آید»

۱۵. آرایه متن: «آن باغ پر از گل های رنگین و معطر شعر و خیال در سموم سرد این عقل بی درد و بی دل پژمرد.» را بنویسید.

قلمرو فکری

۱۶. در عبارت زیر منظور از قسمت های مشخص شده را بنویسید.

ناله های گریه آلود آن امام راستین و بزرگم را که همچون این شیعه گمنام و غریبش ، در کنار آن مدینه پلید و در قلب آن کویر بی فریاد، سر در حلقوم چاه می برد و می گریست.

۱۷. مفهوم عبارت: «دیگر سر به آسمان بر نکردم و همه چشم در زمین، که اینجا... می توان چند حلقه چاه عمیق زد و ... آنجا چغندرکاری کرد.»

۱۸. بر مبنای متن زیر، به سوال ها پاسخ دهید.

آن جاده روشن و خیال انگیزی که گویی یک راست به ابدیت می پیوندد: «شاهراه علی»، «راه مکه»! شگفتا که نگاه های لوکس مردم آسفالت نشین شهر، آن را کهکشانش می بیند و دهاتی های کاهکش کویر، شاهراه علی، راه کعبه، راهی که علی از آن به کعبه می رود.

الف: نوع نگاه متفاوت روستایی و شهری را بیان کنید.

ب: نقش واژه های مشخص شده را به ترتیب بنویسید. (قلمرو زبانی)

۱۹. مفهوم مشترک دو عبارت زیر را بیان کنید.

الف) در کف ها کاسه زیبایی، / بر لب ها تلخی دانایی / شهر تو در جای دگر / ره می بر با پای دگر.

ب) بند آخر صفحه ۷۳ از: «چنین بود که هر سال که یک کلاس ، تا به این علم عددین مصلحت اندیش آلود.»

۲۰. مفهوم عبارت زیر را بیان کنید.

«نمی دانستم که اسب و زینم را می گیرند و پشت میز و نیمکت مدرسه ام می نشانند. نمی دانستم که تفنگ مشقی قشنگم را می گیرند و قلم به دستم می دهند.»

۲۱. مفهوم: «آن باغ پر از گل های رنگین و معطر شعر و خیال و الهام و احساس در سموم سرد این عقل بی درد پژمرد و صفای

اهورایی آن همه زیبایی ها که درونم را پر از خدا می کرد، به این علم عددین مصلحت اندیش ، آلود.» را بنویسید.

۲۲. مفهوم مشترک عبارات زیر را بنویسید.

الف: «شاهین تیزبال افق ها بودم ، زنبوری طفیلی شدم و به کنجی پناه بردم.»

ب: اکنون به دام صد غم و صد محتتم اسیر / آن مرغ خوش دلی که تو دیدی پرید و رفت.

۲۳: با توجه به: « آب جیحون فرو نشست؛ ریگ آموی پرنیان شد. پا در رکاب گذاشتم و به سوی زندگی روان شدم.»

الف: مفهوم متن فوق را بنویسید.

ب: یک وابسته و ابسته را در عبارت فوق بیابید. (قلمرو زبانی)

پ: آرایه های متن را بیابید. (قلمرو ادبی)

۲۴. تحقیق کنید سفرنامه و حسب حال چه تفاوتی با هم دارند

درس نهم: کویر

قلمرو زبانی

۱. الف: (گردشگاه، تماشاگاه) ** ب: (طرح، نقشه) ** پ: (در شب سیر کردن) ** ت: (آویزان) ** ث: (همراهی) * ج: (ایزدی، خدایی)

املا

۲. الف: (قاش) ب: حیات پ: حوزه ت: (محصور) ث: (مباهات) ج: تهویه چ: غریب

۳. گزینه «پ» اشتباه است. زیرا نسیم در معنی باد خنک با سموم در معنای باد گرم: تضاد دارند.

۴. الف) گروه اسمی: ۱) چشمه: هسته / آبی: وابسته: مضاف الیه / سرد: وابسته وابسته، صفت مضاف الیه **

دل یخچال بزرگ: دل: هسته / یخچال: مضاف الیه / بزرگ: وابسته وابسته: صفت مضاف الیه **

بیت ۲) شب: هسته / آن: وابسته پیشین (اشاره): «آن شب» یک ترکیب وصفی است در نقش: قید *** روی بام خانه: روی هسته / بام:

وابسته: مضاف الیه / خانه: وابسته وابسته: مضاف الیه مضاف الیه *** نظاره: هسته / آسمان: وابسته (مضاف الیه)

بیت ۲) دل: متمم / «آن شب»: ترکیب وصفی در نقش قید // نیز: قید / نظاره: متمم / مضاف الیه)

۵. گروه های اسمی زیر را از نظر وابسته وابسته بررسی کنید.

۱. کتاب بسیار ارزشمند (کتاب: هسته / بسیار: وابسته وابسته از نوع قید صفت / ارزشمند: وابسته از نوع صفت بیانی)

۲. رنگ سبز یشمی (رنگ: هسته / سبز: وابسته: صفت بیانی (نسبی) / یشمی: وابسته وابسته از نوع صفت صفت)

۳. برجسته ترین شاعران زبان فارسی (برجسته ترین: وابسته پیشین: عالی / شاعران: هسته / زبان: وابسته اول مضاف الیه / فارسی: وابسته وابسته از نوع صفت مضاف الیه)

۴. ساختن آینده ای روشن (ساختن: هسته / آینده: وابسته اول مضاف الیه / روشن: وابسته وابسته از نوع صفت مضاف الیه)

۵. صحبت خیلی صمیمی (صحبت: هسته / خیلی: وابسته وابسته از نوع قید صفت / صمیمی: وابسته اول از نوع صفت)

۶. شیرینی بیان سعدی (شیرینی: هسته / بیان: وابسته از نوع مضاف الیه / سعدی: وابسته وابسته از نوع مضاف الیه مضاف الیه)

۷. آهنگ سخن قدما (آهنگ: هسته / سخن: وابسته از نوع مضاف الیه / قدما: وابسته وابسته از نوع مضاف الیه مضاف الیه)

۸. قلب آن کویر (قلب: هسته / آن: وابسته وابسته از نوع صفت مضاف الیه / کویر: وابسته از نوع مضاف الیه)

۹. تموز سوزان کویر (تموز: هسته / سوزان: وابسته پسین از نوع صفت فاعلی / کویر: مضاف الیه تموز).... این ترکیب، وابسته وابسته ندارد.

۱۰. شاگرد حوزه ادبی (شاگرد: هسته / حوزه: وابسته از نوع مضاف الیه / ادبی: وابسته وابسته از نوع صفت مضاف الیه)

۱۱. هوای نسبتاً پاک (هوا: هسته / نسبتاً: وابسته وابسته از نوع قید مضاف الیه / پاک: وابسته از نوع صفت)

۱۲. فرهنگ ایران باستان (فرهنگ: هسته / ایران: وابسته از نوع مضاف الیه / باستان: وابسته وابسته از نوع صفت مضاف الیه)

۱۳. فریاد عاشقان دل سوخته (فریاد: هسته / عاشقان: وابسته از نوع مضاف الیه / دل سوخته: وابسته وابسته از نوع صفت مضاف الیه)

۱۴. سه دست لباس ایرانی (سه: وابسته پیشین از نوع صفت شمارشی اصلی / دست: وابسته وابسته از نوع ممیز / لباس: هسته / ایرانی: وابسته پسین از نوع صفت نسبی)

۱۵. قلب آن کویر (قلب: هسته / آن: وابسته وابسته از نوع صفت مضاف الیه / کویر: وابسته اول از نوع مضاف الیه)

۱۶. تاب آفتاب آن جمال: تاب: هسته / آفتاب: وابسته اول: مضاف الیه / آن: وابسته وابسته از نوع صفت مضاف الیه / جمال: وابسته وابسته از نوع مضاف الیه مضاف الیه.

۶. نوع وابسته وابسته را مشخص کنید

الف) شرح درد اشتیاق: (شرح: هسته / درد: وابسته اول مضاف الیه / اشتیاق: وابسته وابسته از نوع مضاف الیه مضاف الیه)

ب) روزگار وصل خویش: (روزگار: هسته / وصل: وابسته اول مضاف الیه / خویش: وابسته وابسته از نوع مضاف الیه مضاف الیه)

۷. باد گرم مهلک: سموم آویزان: معلق تماشا: نظاره نگرش: تلقی پرنیان: پارچه ابریشمی دارای نقش و نگار، نوعی حریر شیدر دوچین: گیاه علفی شیدر دو بار چیده شده عدلیه: دادگستری قاش: قسمت برآمده جلوی زین، کوهه زین کمانه: نام کوهی در منطقه ونک از توابع شهرستان سمیرم استان اصفهان. ماورا: فراسو. آن سو. ماسوا. برتر. مباحات: افتخار، سرفرازی مدرس: موضع درس گفتن، محلی که در آن تدریس کنند.

۸ الف: (نهاد - صفت - مضاف الیه - مسند) ب: (متمم - مضاف الیه - مضاف الیه - نهاد - مضاف الیه)

۹. تعداد وابسته های وابسته از نوع مضاف الیه مضاف الیه، پنج مورد است.

«تأثیر ادبیات عرب *** نفوذ فرهنگ یونان *** ادبیات ملل مختلف جهان *** عوامل شکفتگی ادبیات جهان»

۱۰. الف: (چشمه آبی سرد: چشمه: هسته / آب: وابسته از نوع مضاف الیه / سرد: وابسته وابسته صفت مضاف الیه)

ب: (دل یخچالی بزرگ: دل: هسته / یخچال: وابسته پسین از نوع مضاف الیه / بزرگ: وابسته وابسته صفت مضاف الیه)

قلمرو ادبی

۱۱. الف: فلسفه: مجاز از فیلسوفان مذهب: مجاز از مذهبیان

ب: مفهوم: (نگاه معنوی به کویر / بازگشت به عالم معنا / تقدس کویر / حضور خدا و معنویت در کویر / تسبیح کاینات)

پ: (ماوراء الطبیعه: آنچه فراتر از عالم طبیعت و ماده باشد؛ مانند خداوند، روح و...).

ت: استعاره مکنیه، تشخیص در بر لب داشتن آیات وحی به وسیله درخت، غار، کوه و ... / تشبیه: درخت، سنگ و سنگریزه به زبان گویای خدا / تلمیح به تسبیح کاینات: «یسبح لله ما فی السموات و ما فی الارض»

۱۲. الف: (تموز: مجاز از گرما / دل یخچال، سینۀ کویر، سر برداشتن چشمه، دل ارگ، سر بر شانه هم نهادن درختان، مشایعت کردن آب: استعاره (تشخیص))

ب: دریای سبز معلق: (استعاره از آسمان) مرغان الماس پر: استعاره از ستارگان درخشان / الماس پر: اضافه تشبیهی.

پ: چراغ علم و تابستان وصال: (اضافۀ تشبیهی)

ت: تشبیه آسمان کویر به نخلستان خاموش و پرمهتابی / نخلستان خاموش: تشخیص (استعاره) / مشت خونین قلب: اضافه استعاری
/ باران سکوت: اضافه تشبیهی / روح دردمند: مجاز از امام علی (ع) / تلمیح به ماجرای گریستن امام علی (ع) بر سر چاه های کوفه
دارد.

ث: (تلمیح به شعر حافظ: «گوهر مخزن اسرار همان است که بود / حقه مهر بدان مهر و نشان است که بود»

۱۳. الف) گل های الماس: استعاره از ستارگان/مانند کردن گل به الماس: اضافه تشبیهی / شکفتن گل های الماس: کنایه از پدیدار شدن
ستارگان.

ب) دریای سبز معلق: استعاره از آسمان/ مرغان الماس پر: استعاره از ستارگان درخشان / الماس پر: اضافه تشبیهی.

پ) باغ: استعاره از آسمان کویر / گل های رنگین و معطر شعر و خیال و الهام و احساس: اضافه تشبیهی / سموم سرد: متناقض
نما(پارادوکس) / عقل بی درد: استعاره (تشخیص) / سموم عقل: اضافه تشبیهی /

۱۴. گرم: ایهام تناسب دارد. ۱. صمیمی ۲. دارای دمای زیاد «متناسب با تابستان»

۱۵. «آن باغ پر از گل های رنگین و معطر شعر و خیال در سموم سرد این عقل بی درد و بی دل پژمرد.» گل های رنگین و معطر شعر و
خیال / سموم عقل: اضافه تشبیهی / سموم سرد: (باد بسیار گرم سرد): پارادوکس (متناقض نما) / آن باغ پر از گل های رنگین: استعاره از
آسمان کویر / عقل بی درد و بی دل: استعاره (تشخیص).

قلمرو فکری

۱۶. (امام راستین: امام علی (ع) - شیعه گمنام: دکتر علی شریعتی)

۱۷. کنایه ای است که مفهوم آن: محروم شدن از معنویت و مادی گرایی و حسابگری و در مجموع دید مادی داشتن.

۱۸. الف: نگاه عالمانه ، مصلحت اندیش و بدون احساس و عاطفه و تخیل و جزئی نگر شهرنشینان به طبیعت (دید علمی و تجربی) در
مقابل نگاه ساده و غیر علمی همراه با عاطفه و احساس روستائیان (دید مادی و تفکر عالمانه شهری در مقابل دید معنوی روستایی)

ب: ابدیت: متمم - شاهراه علی: بدل (علی: مضاف الیه) - راه مکه: بدل (مکه: مضاف الیه) - نگاه ها: نهاد -
کهکشان: مسند - کویر: مضاف الیه.

۱۹. مفهوم مشترک: دعوت به ترک زیبایی و ترک علم زدگی برای بازگشت به عالم معنا .

۲۰. (مفهوم: خوش های و شادی ها و عزت و اعتبار روستا را از من می گیرند و یک زندگی بی روح و شهری را به من می دهند).

۲۱. مادی گرایی / افول نگرش از نگاه معنوی به مادی / غلبه نگاه مادی گرا بر نگاه معنوی / معنویت و رمز و راز عارفانه از بین رفته و به مادیات توجه می شود.

۲۲. مفهوم مشترک دو گزینه: (از عزت به ذلت رسیدن / از رفاه و آسایش دور شدن)

۲۳. الف: مفهوم: هموار شدن سختی ها در راه رسیدن به مقصود.

ب: ریگ آموی پرنیان: (ریگ: هسته / آموی: وابسته: مضاف الیه / پرنیان: وابسته وابسته از نوع مضاف الیه مضاف الیه).

پ: تلمیح به ماجرای رودکی و امیر نوح بن منصور سامانی دارد، که ماجرا از این قرار است که وقتی نوح بن منصور سامانی برای شکار، از بخارا به هرات رفت، به خاطر خوشی آب و هوا، مدت ها در آنجا ماند، و چون قصد بازگشت به بخارا را نداشت، اطرافیان نگران شده، و به "رودکی" متوسل شدند. رودکی نیز، چنگ به دست می گیرد و این شعر را می سراید: بوی جوی مولیان آید همی / یاد یار مهربان آید همی و.... بعد از شنیدن این شعر، نوح بن منصور چنان متأثر می گردد که بدون کفش سوار بر اسب می شود و با سرعت زیاد به شهر بخارا می رود.

پرنیان شدن ریگ آموی: پارادوکس (متناقض نما) / تشبیه ریگ آموی به پرنیان / پرنیان شدن ریگ آموی: کنایه از برطرف شدن سختی ها / پا در رکاب گذاشتن: کنایه از شروع کردن به حرکت و سفر و یا اقدام برای انجام کاری.

۲۴. سفرنامه: ثبت دیده ها و شنیده ها و تجارت خود درباره مسائل گوناگون در طی سفر است.

حسب حال: گزارش نویسنده از زندگی و حالات و احساسات خویش است.